

# بقا و ماندگاری در دوری از انفعال و بی تفاوتی



رها کردن زیست اجتماعی مطلوب به حال خود، برای وی به امری عادی تبدیل می‌شود. این نوع نگاه به انسان و تمایلات تکامل پذیر آن فقط منحصر به بعد فردی نیست و زیست اجتماعی هم باید برای بقا و ماندگاری، به ضروریات این امر پایبند باشد. از جمله مهم‌ترین ضروریات صیانت و حراست از یک جامعه، حفظ پویایی و اثرگذاری گروه‌های مختلف اجتماعی در آن است. آن جامعه‌ای که نتواند محملی برای بروز فعالیت‌ها، تکثیر نگرش‌ها، ایده‌ها و پروژه‌های خلاقانه گروه‌های مردمی باشد و زمینه و بستر کافی و امنی را برای رهیافت این فعالیت‌ها آماده کند، وضعیت بسامان و قابل قبولی نخواهد داشت. این جامعه در سیر حرکتی خود با موانع گوناگونی مواجه خواهد شد که در نهایت ممکن است بقا و ماندگاری آن با خطر جدی روبه‌رو شود. بنابراین از این منظر، اصل بقا برای انسان دو صورت اساسی دارد؛ یکی وجه درونی برای هر فردی و دیگری وجه بیرونی در دل زندگی اجتماعی با دیگر انسان‌ها.

این موضوع اثر بخشی و فعال بودن انسان آن قدر مهم است که چنانچه به هر دلیلی از آن سر باز زده شود، زندگی بشر دچار گسست و فروپاشی احتمالی خواهد شد. در بعد فردی، وی ممکن است دچار انواع بیماری‌های روحی، روانی و شخصیتی شود و در بعد اجتماعی، سرمایه‌های اصلی جامعه و ماهیت اساسی آن رو به نابودی بگذارد.

مطلوب و سرنوشت ساز بوده و گویی رمز و راز بشر در آفرینی نهفته است که هر چه بیشتر خلق کند، بیشتر آرامش می‌یابد.

با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد، انسان برای تحقق این بعد وجودی خود، باید توانایی نقش آفرینی و اثربخشی در بعد فردی و اجتماعی خود را بروز دهد. در واقع هم خود و شخصیت خویش را ارتقا بخشد و هم جامعه پیرامونی‌اش را بهبود داده و به مسئولیت عمومی خود بپردازد. انسان همواره در راستای آرمان و هدفی که برای زندگی اجتماعی خود دارد و با دیگر افرادی که مسیر مشترکی دارد، همکاری می‌کند و در کنار یکدیگر نیرویی جمعی برای تحقق آن اهداف ایجاد می‌کنند. بنابراین بشر به دنبال فعالیت و تلاش در محیط زندگی خود است و مادامی که در جهت مطلوب خود تلاش می‌کند، بر ساختار ارزشی خود می‌افزاید.

اما هرگاه و به هر دلیلی (محیطی یا درونی)، آن چنان مشکلات بر او تحمیل شوند که کنج عزلت را بر میدان عمل ترجیح داده و به انفعال و سرگشتگی دچار شود، به ناچار گسستی میان او و تمام آنچه میل انجام آن را دارد و آینده و امید خود را در بودن آن می‌داند، ایجاد می‌شود. سپس رفته رفته بی تفاوتی و انفعال بر او حادث شده و

بشر از هزاران سال پیش تاکنون در اندیشه چگونگی بقا بوده و این امر را در ورای این زندگی و حتی پس از مرگ خویش نیز جست‌وجو می‌کرده است. علاقه انسان به ادامه یافتن او و زندگی‌اش، دو وجه را شامل می‌شده است: یکی، در هنگام زندگی و دیگری، پس از مرگش. فارغ از اعتقاد به ادامه حیات انسانی پس از مرگ این دنیایی و زندگی در جهان‌های دیگر، او ماندن در این دنیا را در امتداد آثار به‌جامانده از خود نیز می‌داند. بنابراین میل به بودن و به یادگار گذاشتن نام و آوازه، انسان را به سمت خلق آثار و نتایج از خود وامی‌دارد که هم در زمان بودنش، بودن واقعی را تجربه کند و هم پس از مرگش، همچنان بماند.

بنابراین آنچه بیان شد، یکی از تمایلات بشری در زیست این دنیایی‌اش، اثربخشی در محیط پیرامونی خود است. اینکه بتواند اندیشه، محصول، روش، خانواده و فرزندان و هر چیزی که نام و وجود او را تمثیل کند، به یادگار بگذارد و این موضوع برایش امری

علاقه انسان به  
ادامه یافتن او و  
زندگی‌اش، دو  
وجه را شامل  
می‌شده است:  
یکی، در هنگام  
زندگی و دیگری،  
پس از مرگش





و جامعه را در کدام مسیر تحولی قرار می‌دهد، از دیگر موضوع‌هایی است که به آن خواهیم پرداخت. در این شماره سعی کرده‌ایم آرا و نظرات جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، فیلسوفان و دیگر اندیشمندان را در حوزه‌های مرتبط با انفعال و بی‌تفاوتی جویا شویم تا علاوه بر ارائه پاسخ برای پرسش‌های مطرح در این حوزه، به بیان راهکارهایی عملیاتی و راهبردی برای جلوگیری از آن بپردازیم.

این‌که چه می‌شود که یک جامعه یا برخی از گروه‌های اجتماعی دچار انفعال می‌شوند، به علل و عوامل مختلفی وابسته است که در این شماره به دنبال تحلیل و بررسی آن هستیم. این‌که انفعال چه پیامدها و مخاطراتی برای فرد و جامعه ایجاد می‌کند

موضوع انفعال و بی‌تفاوتی از آن جهت مهم است که در صورت وجود یا شیوع گسترده آن، مسئله‌ای است که در ضدیت و تقابل کامل با وجود متعالی انسان و فطرت درونی او خواهد بود و پیشرفت یک جامعه را دچار خلل جدی خواهد کرد، در آن حد که حتی اضمحلال و نابودی آن جامعه را موجب خواهد شد. با توجه به اهمیت این موضوع، آنچه در این ویژه‌نامه مورد نظر بوده، ارائه تحلیل‌های عمیق و کاربردی برای پرداختن به ریشه‌های چنین مسئله‌ای است.